بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc425163858)

[حرز در اماکن عمومی 2](#_Toc425163859)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc425163860)

[فرع اول: نسبیت حرز 3](#_Toc425163861)

[توضیح بحث 3](#_Toc425163862)

[جمع‌بندی 4](#_Toc425163863)

[نکاتی درباره حرز 4](#_Toc425163864)

[حکم در مراقبت‌های عینی 5](#_Toc425163865)

[دزدی از خانه خدا 5](#_Toc425163866)

[شبهه بنی شیبة و پاسخ آن 6](#_Toc425163867)

[بررسی سرقت از کعبه 6](#_Toc425163868)

[دو نظریه در این مقام 6](#_Toc425163869)

[اتخاذ مبنا 7](#_Toc425163870)

# مرور بحث گذشته

شرایط حدود سرقت، بیان شد، انواع حدود عرفی و مثال‌های آن گذشت، بیان شد؛ در روایات آمده است؛ که شرط ثبوت قطع، این است که در حرز باشد و حرز هم، مفهوم عرفی دارد. و احیاناً، ممکن است به نسبت اشیاء مختلف، متفاوت باشد. و گفته شد؛ حرز، نسبی است. فرع اول، این است که؛ هر جایی که مأذون الدخول للعموم است، حرز نیست. این نیز، بر می‌گردد به همان ملاک عرفی، در معنای حرز. و در این میان، گاهی مأذون الدخول بودن، برای عامه است و گاهی، برای قشری خاص.

# حرز در اماکن عمومی

در ادامه شرایط مسروق، مسئله نهم بحث کرده بودیم. بعد از اینکه شرایط حدود حد سرقت را ذکر کردند، به ترتیبی که در تحریر بود، بحث این شد که آنی که در حرز نیست، سارق آن قطع ید برای آن ثابت نیست. مثالی که زدند، سرقت از آن روات‌ها و حمامات و خانه‌هایی است که خانه‌ها یا مراکز آن‌ها را می‌گیرد، بر روی همه مردم یا گروهی از مردم باز است. گروهی مردم مثل مدارس، دانشگاه که احیاناً جلوی غیری را می‌خواست برود می‌گیرند، ولی برای گروه خاصه‌ای باز است و آزاد است. و مسجد و مدرسه و عتبات مؤسسات عمومی و مراکز عمومی همه همین حکم را دارد.

و بالجمله ادارات وقتی که باز است و هر جایی که برای همه یا گروهی اذن صادر شده است که وارد بشوند. این یک مطلب در این مسئله که بر اساس اینکه گفته شد، شرط ثبوت قطع ید این است که مال در حرز باشد، در جای مأمون و محفوظ باشد، اصلش این است که در مراکز و مجامع عمومی حرز نیست و قطع ید هم ثابت نیست. این یک مطلب است. فرع دوم در این مسئله در جایی است که مالی در حرز به آن معنا نیست. در خانه بسته‌ای باشد، یا صندوق مقفولی باشد. نه در صحرایی، نه در یک جای عمومی، خیابانی مالی را گذاشته و دارد حفاظتش می‌کند. یعنی بالای سرش ایستاده از دور آن را مواظبت می‌کند.

## اتخاذ مبنا

این فرع دوم هم محل بحث است که قطع می‌شود یا خیر؟ می‌فرمایند اقوی این است که خیر، این موجب قطع نمی‌شود. اگر مالی را در بیابان یا هر جایی که باشد این حرز عرفی نیست، ولی با چشم دارد آن را مراقبت می‌کند و حفاظت می‌کند. درحالی‌که اینجا گذاشته بود و داشت حفاظتش می‌کرد، ناگهان در یک لحظه کسی آمد آن را برد، حالا او غافل شد یا غافل نشد. علی‌رغم اینکه او داشت مراقبتش می‌کرد و دیده‌بانی می‌کرد، آن را برد. این هم فرع دوم در این مسئله است.

فرع سوم این است که؛ اگر کسی پرده کعبه را برد، آیا اینجا قطع ید دارد؟ گفتند بله. این سه فرعی است که در مسئله نهم مطرح شده است. که یک به یک این سه فرع را بحث می‌کنیم. اما فرع اول به نظر می‌آید که جای بحث جدیدی به جز آنچه سابق گفتیم، ندارد.

## فرع اول: نسبیت حرز

فرع اول این بود که در روایات آمده بود که شرط ثبوت قطع این است که در حرز باشد و حرز هم مفهوم عرفی دارد و احیاناً ممکن است به نسبت اشیاء هم متفاوت باشد. اگر یادتان باشد گفتیم نسبی است. ممکن است این اسطبل برای چیزی حرز باشد، ولی برای چیز دیگری حرز نباشد. درهرحال اصل اینکه باید مال در حرز باشد، این محل بحث نیست. در روایات آمده بود هم مصادیق حرز در روایات آمده بود، هم خود مفهوم حرز و واژه حرز در روایات آمده بود.

حرز هم یک مفهوم عرفی است، نقطه مأمون محلی که امنیت دارد، این حرز است. جایی که دارای امنیت است و برای حفاظت مال ساخته شده است و پرداخته شده است. این شرط را داریم. تبعاً آنچه در مراکز عمومی است، مشمول این شرط نیست. آنچه در مراکز عمومی قرار دارد، انواع مراکز عمومی هم فرق نمی‌کند. در مدرسه است، مسجد است، دانشگاه است، اداره‌ای است، در یک سالنی است، جایی که درش به روی مردم باز است. حفاظت‌شده نیست. حرز منطقه حفاظت‌شده بود. در جایی است که حفاظتی در مورد آن وجود ندارد. این‌ها صدق حرز مطلق نمی‌کند.

پس فرع اول در مسئله نهم این است، که هر جایی مأذون الدخول است، درش به روی بازدیدکنندگان و رفت‌وآمدکنندگان باز است این صدق حرز نمی‌کند. الان گاهی در مساجد که کسی برود، بگوییم هر جایی که مأذون الدخول للعموم است، تا آنجایی که اذن دخول للعموم است، درها باز است، حفاظت‌شده نیست. آن حرز نیست و برداشتن مال و سرقت هم موجب قطع نیست. اما این منافات ندارد که در همان مدرسه مسجد، خادم یا هر فرد دیگری یا هیئت‌امنای آن یک گوشه‌ای را دیگر اجازه نمی‌دهند، همه وارد بشوند. آن می‌شود حرز، دقیقاً مثل بانک‌ها است.

### توضیح بحث

توضیحی که می‌خواستم بدهم، این نکته بود؛ اینکه می‌گوییم مأذون الدخول حرز نیست، هر نقطه‌ای که مأذون الدخول باشد، صدق حرز نمی‌کند. این منافات ندارد با دو چیز، یکی اینکه در همان نقطه مأذون الدخول، جایی غیر مأذون الدخول و محروسه است، مورد حفاظت است. مثل بانک‌ها، جاهای دیگر هم همین‌طور است. بانک وقت اداری که بشود، درش باز است، همه می‌توانند رفت‌وآمد کنند. ولی آن صندوق‌هایی که کنار گذاشته و نقاط خاصی که مخزن پول که حفاظت‌شده است، آن حرز دارد. یا در مدارس همین‌طور است. مدرسه باز است، بیا برو، مأذن الدخول است، اما حجره طلبه یا اتاق ثابت نه، آن نقطه محروسه و حفاظت‌شده است. آن دیگر نمی‌گویند در حرز نیست، آن در حرز است.

## جمع‌بندی

پس تا آنجایی که مأذون الدخول است، حرز نیست. و قطع ید هم بر آنجا انجام نمی‌شود. این منافات ندارد که نقاطی در این مجموعه‌ها باشد که آن حرز باشد. همان‌طور که مثال زدم. همان‌طور که این منافات ندارد با مواردی که مأذون الدخول در ساعات معین است. اما در یک ساعات دیگر مأذون الدخول نیست. مثل ادارات دولتی، بانک‌ها، بعضی مساجد این‌طور، از اذان صبح تا پاسی از شب باز است، مثلاً مساجدی هست، این‌طور است. ولی ساعت یازده شب، دیگر درها قفل می‌شود. یا بانک‌ها و مراکز عمومی از صبح ساعات اداری تا پایان ساعت اداری مأذون الدخول است، اما وقتی وقت اداری تمام می‌شود، قفل می‌شود. باز منافات ندارد، بگوییم هر جایی که مأذون الدخول للعموم است، حرز نیست، مادامی که مأذون الدخول است.

یعنی در ساعاتی که اذن دخول در آنجا است. اما همین که ساعت تمام شد، سرایدار آنجا درها را قفل کرد، نگهبان درها را قفل کرد و بعد این می‌شود حرز. این قالی را از این مسجد اگر از اذان صبح تا بعد از پاسی از شب که نماز مغرب و عشا است کسی بردارد، این دستش قطع نمی‌شود. ولی همین بعد از نماز که درها قفل شد، اگر از راه دیوار رفت و برداشت، این دستش قطع می‌شود. پس فرع اول این است که هر جایی که مأذون الدخول للعموم است، حرز نیست. منتها با ملاحظه این دو نکته‌ای که گفتیم. که اولاً تا آنجا و نقطه‌ای که مأذون الدخول است. والا اگر در این محدوده یک جایی است که مأذون الدخول نیست می‌شود حرز. پارک‌های عمومی است و همه جا می‌آیند می‌روند، فضاهای عمومی دارد رفت‌وآمد می‌کنند، ولی جایی است که برای نگهبانان است، این دیگر مأذون الدخول نیست، این اولاً، ثانیاً؛ مادامی که مأذون الدخول است، والا در خارج آن ساعاتی که اذن دخول است، تبعاً حرز ثابت است و قطع ید است.

### نکاتی درباره حرز

باید دانست؛ شکستن حرز، حتماً به شکستن قفل نیست، بلکه مثلاً اگر سر نگهبان هم، کلاه گذاشته شود و وارد آن نقطه شود، این، یکی از مصادیق شکستن حرز است، پس، در معنای حرز باید توسعه قائل شد. هر جای عمومی، که مأذون الدخول است، للعامه او للطائفه، این حرز نیست و قطع ید، در آن نیست.

اصولاً، جاهایی که، ترکیبات امنیتی دارد، به آنجا، صدق حرز خواهد کرد؛ ولو، چارچوب‌ها باز است. برخی، گفتند؛ لکل شیء حرز، ولی غالباً، این‌گونه نیست که، هر چیزی الا و لابد، حرز داشته باشد. خیلی چیزها، حرز ندارد.

### حکم در مراقبت‌های عینی

فرعی که قبلاً اشاره کردیم به آن، در این مسئله دوم این است که؛ آنجایی که مال در جایی است که نگهبان و حساب‌وکتابی دارد، و به شکلی در نقطه امنی گذاشته شده است، این حرز است. اما اگر مال در نقطه امن نیست ولی با مراعات مالک دارد امنیتش تأمین می‌شود. با مشاهده مالک و مراقبت مالک و رصد مالک، یا غیر مالک که این وظیفه را دارد، دارد مراقبت می‌شود. با رصد او دارد مراقبت می‌شود. مال گذاشته شده در کنار خیابان. کیف گذاشته آنجا، چند قدم برود مغازه بیاید، ولی مرتب حواسش است که کسی برندارد. که این مراقبت به نحوی موجب امنیت این مال می‌شود. سؤالی که وجود دارد این است که مالی که در مراقبت مالک است، بدون اینکه در نقطه امنی باشد، در مراقبت مالک است، آیا این حرز صدق می‌کند یا نمی‌کند؟

**«فلو کانت دابته فی الصحراء و کان لها مراعیا یقطع بسرقته أو لا؟»[[1]](#footnote-1)**

می‌فرمایند، الاقوی الثانی که این حرز نیست، صرف اینکه دارد می‌بیند عرفاً حرز نمی‌گویند.

### دزدی از خانه خدا

اما در مورد سرقت پرده کعبه و متعلقات، باید بگوییم؛ اگر کسی در حرم امامین سلام‌الله علیهم، چیزی را برداشت، این حرز نیست. یا پرده خانه کعبه را برداشت باز حرز نیست. ولی اگر، چیزهایی که داخل ضریح است، یا داخل خانه است که قفل دارد، روشن است که، حرز است.

«**و فی تحریر الإمام الخمینی قدس سره: و هل یقطع سارق ستارة الکعبة؟ قیل: نعم، و الأقوی عدمه، و کذا سارق ما فی المشاهد المشرّفة من الحرم المطهّر أو الرواق و الصحن**.»[[2]](#footnote-2)

در کتاب تفسیر الشریعة، آمده است؛ **عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ «الْقَائِمُ ع یهْدِمُ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِلَی أَنْ قَالَ وَ قَطَعَ أَیدِی بَنِی شَیبَةَ السُّرَّاقِ وَ عَلَّقَهَا عَلَی الْکعْبَةِ**»[[3]](#footnote-3)

چرا؟! به خاطر اینکه؛ آن‌ها، از سراپرده کعبه، دزدی کردند. روایاتی که در این باب، وجود دارد؛ برخی معتبر و برخی غیر معتبرند.

### شبهه بنی شیبة و پاسخ آن

در این روایات، امری خلاف قاعده، وجود دارد؛ قاعده‌این است که؛ در مکان‌های عمومی، قطع یدی صورت نمی‌گیرد، در معالجه این روایات، دو نظریه است؛ در جواهر است؛ قطع ید، به خاطر سرقت نیست، به خاطر افسادشان است؛ آن‌ها، حجاج بیت‌الله بودند و مأموریت آن‌ها، نگهبانی از اینجا بود، به خلاف مأموریتشان، خودشان جزء سارقین کعبه بودند، و این، افساد عظیمی است و تبعاً، حق حاکم است که، دست را ببرد،

احتمال دیگری نیز، وجود دارد؛ قطع یدشان، به خاطر سرقت است، منتها، اینجا لازم نیست حرز باشد، شرط حرز، استثنا خورده است.

## بررسی سرقت از کعبه

در ابواب مقدمات طواف، باب بیست‌ودو که چند حدیث در آنجا همین قصه امام زمان و قطع سراق بیت‌الله است. این روایات از نظر سندی ولو اینکه همه‌اش صحیح و موثق نیست، اما بعضی از آن هم موثق است. این روایات که بعضی از آن موثق است، امری خلاف قواعد می‌گوید. قاعده‌این است که امکنه عامه قطع ید در آن نیست، ولی این خلاف قواعد می‌گوید. باید با این روایات چه برخوردی کرد و چگونه این‌ها را معالجه کرد؟ در اینجا دو دیدگاه است.

### دو نظریه در این مقام

بعضی این روایات را توجیه کردند، در جواهر این‌طور است، می‌گوید قطع ید به خاطر سرقت نیست، به خاطر افسادشان است. این‌ها حجاج بیت‌الله بودند و مأموریت آن‌ها نگهبانی از اینجا بود، به خلاف مأموریتشان خودشان جزء سارقین کعبه بودند، و این افساد عظیمی است و تبعاً حق حاکم است که دست را ببرد، اختیارات حاکم است که این کار را انجام بدهد. این احتمال را در جواهر دادند و اگر کسی این احتمال را بپذیرد، آن وقت می‌گوید این قطع ید مربوط به سرقتشان نیست، مربوط به افسادشان است، و لذا اگر کسی دیگری غیر از این‌ها بیاید چیزی ببرد از آنجا، دستش نمی‌برند. مگر اینکه مفسد باشد. مفسد می‌شود انواع مجازات برایش در نظر گرفت.

این احتمالی که صاحب جواهر داده است. که ظاهراً حضرت امام و آقای فاضل و عده‌ای از بزرگان است همین نظر را دارند که حمل می‌شود بر این علت افساد، نه به خاطر سرقت، و دیگر استثنایی بر این قاعده کلی نیست. با اینکه اینجا حرز نیست، اما قطع ید گفته است. منتها نه به خاطر اینکه سرقت است، بلکه به خاطر افسادشان. و لذا مجرد سرقت از کعبه یا جاهای کعبه موجب قطع ید نمی‌شود. عده‌ای این توجیه را پذیرفتند، بله چون مفسد احکام خاص دارد. اگر کسی آن را ببیند، شواهدی دارد. از جمله این است که در بعضی روایات دارد که آمدند برخلاف آن اموال یا چیزی که وصیت شده بود یا وحی شده بود تصرف کردند. یا در بعضی روایات از جهت دیگر هم این نکته خیلی مهم است که آن زمان کاری کردند که بعد از قرن‌ها و قرن‌ها امام زمان آن‌ها را مؤاخذه خواهد کرد.

### اتخاذ مبنا

این یک حکم خلاف قاعده‌ای است و تبصره و استثنایی می‌خورد که به کلی می‌گویند امکنه عمومی قطع ید ندارد. حقیقتش این است که به خاطر وجود قاعده و اینکه بالاخره آن احتمال هم در روایات خیلی ضعیف نیست، ما می‌گوییم این دو احتمال ترجیح نهایی آن مشکل است و با قاعده درع می‌گوییم قطع ید وجود ندارد. بله امین اگر تصرفی بکند، آن حرز نیست، قطع ید ندارد. امین بودند چیزی برداشتند، این حرز نیست و قطع ید ندارد. منتها این روایات بنابر احتمال اول می‌گوید، این قطع ید به خاطر افسادشان است، امین در خانه خدا هستند.

بنابر احتمال دوم می‌گوید، نه این‌ها قطع یدشان به خاطر سرقت است، منتها اینجا حرز لازم نیست باشد، استثنا خورده شرط حرز، ما میگوییم چون دو طرف یک اجمالی در آن هست و قاعده درع داریم، قطع ید نیست. بیشتر آن که در تحریر آمده را عرض می‌کنیم، نه به خاطر اینکه بگوییم خود روایات معنایش آن احتمال اول است، نه احتمال دوم هم وجه وجیهی دارد. بلکه به خاطر نوعی اجمالی که موجب می‌شود اینجا قاعده تدرع بگوید اینجا حد جاری نمی‌شود. این نکته درست می‌فرمایید، ممکن است کسی بگوید، امام که می‌آید این کار انجام بدهد. منتها جواب این این است که امام باقر در یک روایت دیگر می‌گوید، اگر من قدرت داشتم دست آن‌ها را قطع می‌کردم. آن‌ها بیشتر می‌گوید؛ دست بنی شیبه را قطع می‌کردم. به‌هرحال به خاطر این احتمالات و شبهات قاعده تدرع می‌گوید نمی‌شود اینجا حد جاری کرد. این سه فرعی است که در مسئله نهم آمده است.

1. تحریر الوسیلة؛ ج 2، ص: 486 [↑](#footnote-ref-1)
2. السرقة علی ضوء القرآن و السنة؛ ص: 171 [↑](#footnote-ref-2)
3. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج 18، ص: 152 [↑](#footnote-ref-3)